دریچه

## یکی برای همه، همه برای یکی

توماس فریدمن
ترجمه: مریم مرادخانی

■ بـه اعتقاد من، با نگاهی به تصمیم اخیر دیوان‌عالی آمریکا که قانون اصلاح بیمه درمانی «اوباما» را با اکثریت پنج بر چهار تایید کرد، به دو نکته مهم می‌توان پی برد: نخست آنکه کشور تا چه حد نیازمند مدیریت و رهبری اسـت که همان‌گونه که در رای نهایـی «جان رابرتز»، رییس دیوان‌عالی آمریکا کاملا پیداست، منافع مردم را در مقابل سیاست‌بازی‌های حزبی، در درجه اول اهمیت قرار داده اسـت و دوم جرات‌مندی و جسارت در اتخاذ تصمیمات مهم. چندان تعجب‌آور نیست اگر بشنویم که لیبرال‌ها جسـارت و خلاقیت حقوقی آقای رابرتز را در یافتن راهی برای اجرای طرح بیمه اوباما سـتوده‌اند. اما با عمیق شدن در این ستودن‌ها، درمی‌یابیم که این امر، بسیاری از محافظه‌کاران را نیز به شدت تحت‌تاثیر قرار داده است. به جرأت می‌توان گفت که تا قبل از تصویب این قانون، سـال‌ها بود که تا این حد از سوی یک رهبر ملی، غافلگیر و هیجان‌زده نشده بودیم. شاید مدت‌ها بود که این حس را، که رهبری ملی، بدون هیچ توجهی به جایگاه سیاسی‌اش و صرفا جهت جلب رضایت مردمش، دسـت به چنین اقدامی زده باشد، تجربه نکرده بودیم؛ حسـی که پس از اتخاذ این تصمیم مهم، از سوی جان رابرتز به ما القا شـد. اعتـراف می‌کنم که اتخاذ چنین تصمیمی، چندان ساده هم نبوده است. اما تصور می‌کنم کـه این امر، الهـام گرفته از یک انگیـزش ناگهانی در یـک بزنگاه تاریخی، در حفظ جایگاه قانونی دیوان‌عالی آمریکا و حفظ استقلال آن، در مقابل بازی‌های سیاسی اسـت. این نوع از رهبری، همیشه قابل توصیف نیست اما ما آن را به خوبی می‌شناسـیم، می‌بینیم و بسیاری از آمریکایی‌ها امروز، از آن تقدیر می‌کنند. آمریکا، هنوز کشوری میانه‌رو و دو حزبی است، اما برای کشف اینکه زیر پوسـت این جامعه چه می‌گذرد، باید از واشـنگتن فراتر روید، سری به سایر نقاط این کشور بزنید تا دریابید که مردمان این کشور چقدر نیازمند رهبری هستند که در اتخاذ تصمیمات مهم و بجا جسـور و در این روند، از سیاست‌بازی‌های حزبی کاملا مبرا باشد. چرا زمانی که در مسابقات بسکتبال، نام یکی از سربازان مجروح جنگ عراق یا افغانستان را اعلام می‌کنند، ما به‌طور ناخودآگاه بلند می‌شـویم و آنها را تشویق می‌کنیم؟ چراکه ارتش آمریکا، برای ما تداعی‌کننده زندگی عادی و فراحزبی در این کشـور است؛ آن نوعی از زندگی که امروز آن را گم کرده‌ایم. ارتش، به بیان «مایکل سـندل»، از فیلسوفان دانشگاه هاروارد، «آخرین واژه توصیف‌کننده آرمان‌گرایی مدنی و فداکاری فرد به نفع عموم اسـت.» در واقع، من نیز قاضی اعظـم رابرتز را برای این تصمیم سـتوده‌ام، همان‌گونه که «ال‌گـور» را برای تعظیم مقابل تصمیم دادگاه عالـی در سـال ۲۰۰۰ تحسـین کـردم و تمام کسـانی را که برای حفظ منافع کشور کشته یا زخمی می‌شوند، می‌سـتایم، چراکه همه و همه خود را فدای منفعت عمومی کشـور کرده‌اند. به تعبیری دیگر، آقای رابرتز، برای منفعت ملی آمریکا، مسـوولیتی سیاسی را با هدف برآشـفتن هیات موسسان خود برعهده گرفت. اما او همچنیـن کاری را انجام داد که هر قاضی لایقی موظف به انجام آن است: شانه خالی کردن از پاسخگویی به هرگونه سوال یا شـبهه سیاسی و محول کردن این مسـوولیت به سیاسـتمداران. آقای رابرتز با این اقدام، به شیوه‌ای خردمندانه به سیاسـتمداران نشان داد که چگونه باید با یکدیگر به توافق رسـید، تصمیم گرفت و در مقابـل مردم پاسـخگو بود. در غیـر این صورت، همه ما، همانند کسـانی که روی عرشـه «تایتانیک» پرسـه می‌زدند، محکوم به غرق شدنیم. من به‌شخصه، در «میت رامنی»، هیچ نشـانه‌ای از آمادگی برای ارایه چنین تصمیماتی نمی‌بینم. گرچـه در این رابطه، هنوز به اوباما امیدوارم. او تاکنون جسـارت خود را به همگان اثبات کرده، گاهی بدون توجه به گفته‌های مشاورانش تصمیم گرفتـه و حالا نیز تلاش می‌کند بیمه خدمات درمانـی را در اختیار تک‌تک آمریکایی‌ها قرار دهد. این پیروزی بزرگی است. اگر همین امروز، دست به اقدامات بزرگی بزنیم، اقداماتی چون اصلاحات مالیاتی، بازبینی قوانین مهاجرت و پیاده‌سازی برنامه‌هایی برای استخراج انرژی به شیوه‌ای که آسیبی به محیط‌زیست نرساند، به طور قطع می‌توان گفت آسیب‌پذیری جامعه تا حد قابل توجهی کاهش خواهد یافت. آقای رییس‌جمهور! با مردم در تماس باشید، ریسک کنید، برای گذار آمریکا از این مرحله، تصمیمات بزرگ بگیرید و مطمئن باشـید اگر این‌گونه عمل کنید رامنی هرگز توانایی رقابت با شـما را نخواهد داشت.

منبع: نیویورک تایمز

از چپ به راست جرالدفورد، بوش پدر، جیمی‌کارتر و بیل کلینتون روسای جمهوری پیشین آمریکا /عکس: Getty Images

### نگاهی به اعتقادات دینی روسای جمهوری آمریکا

# مذهب در خلوت کاخ سفید

ترجمه: گلناز فخاری

او خـودش را مردی که مرتب به کلیسـا می‌رود معرفی می‌کرد و این چیزی بود که در وهله اول همه باور کردند. او در کلیسا پیانو می‌زد، در مدرسه روز یکشنبه کلیسا درس می‌داد و عیسی مسیح را در مراسم احیا عبادت می‌کرد. مادرش فکر می‌کرد که او یک مبلغ مذهبی می‌شود و دوستانش معتقد بودند که یک واعظ خواهد شد. ما امروزه، این معلم مدرسه کلیسـا را به عنوان «ریچارد نیکسون» می‌شناسیم؛ سی و هفتمین رییس‌جمهوری ایالات متحده. او یکی از فاسدترین و مجنون‌ترین مردانی اسـت که وارد کاخ سفید شده است. هر چند با اینکه در زمان تصدی او، «واترگیت» اتفاق افتاد، اما او از تاریخ‌نگارانی مانند «دارین گریندر» نکته‌ای بی‌همتا نیز پرسید: آیا اعتقادات مذهبی یک رییس‌جمهوری تاثیری در مسیر ریاسـت او دارد؟ گریندر، نویسنده کتاب «روسای جمهوری و اعتقادات‌شـان» که مذاهب همه روسای‌جمهور آمریـکا را بررسـی می‌کند، پاسـخ منفی به این پرسـش می‌دهـد. او در این‌بـاره می‌گوید: «اگر مـن از جورج بوش نظرش را در مورد شکنجه بپرسم به نظرم خارج از محدوده ریاست‌جمهوری، می‌گوید که از آن متنفر است. اما اگر فکر کند که این کار برای امنیت جامعه آمریکا درست است، آن را انجام می‌دهد.» ما هر چهار سال یک رییس‌جمهوری انتخاب می‌کنیم، اما شاید در ناخودآگاهمان یک کشیش نیز انتخاب می‌کنیم. از زمانی که «جورج واشنگتن» به ابتدای سخنرانی خود در مراسم سوگندش به عنوان رییس‌جمهوری، جمله «خداوند مرا یاری دهـد» را اضافه کرد، آمریکایی‌ها انتظار دارند که رییس‌جمهورشان به طور عمومی و علنی به خداوند اعتقاد داشته باشد و او را پرستش کند. گریندر معتقد است نامزد ریاسـت‌جمهوری که نتواند این انتظـارات مذهبی را برآورده کند راه به جایی نمی‌برد. او در این باره می‌گوید: «ما شـخصیت و اعتقادات مذهبی را در کنار هم قرار می‌دهیم. زمان بسـیاری باید طی شود تا یک نامزد با اعتماد به نفس اعلام کند که اعتقاد مذهبی ندارد.»

**پارسایی و رییس‌جمهوری فوق‌العاده بودن همیشه در کنار هم قرار نمی‌گیرد**

با این وجود، تاریخ به ما نشان داده است که پرهیزکاری و عملکرد مثبت به عنوان رییس‌جمهوری همیشـه مکمل یکدیگر نیستند. به اعتقاد پژوهشگران، بعضی از مذهبی‌ترین رییس‌جمهوری‌های آمریکا در فهرسـت بی‌رحم‌ترین آنها قرار می‌گیرند و دو نفر از بهترین آنها، امروزه حتی به عنوان مسیحی نیز معرفی نمی‌شوند؛ به عنوان مثال، آبراهام لینکلن، که نامش در کنار واشـنگتن و فرانکلیـن روزولت به عنوان بهترین‌های کاخ سفید می‌درخشد. «تیلز نیلسون»، نویسنده «خداوند در عصر اوباما»، در مورد او می‌گوید: «او هیچ وقت به کلیسا نمی‌رفت و کلا مسـیحی نبود. او به مشیت الهی اعتقاد داشـت و آینده‌نگر بود. اما اگر از او می‌پرسـیدید آیا به مسـیحیت معتقد اسـت یا خیر، مطمئنا جوابش منفی بود.» نگاهی هم به روزولت بیندازیم؛ کسی که به‌طور نمادین یک قدیس ملی اسـت. او با پوزخند و سیگاری که همیشه گوشـه لبش بود، دست جامعه را در سقوط اقتصادی بزرگ و جنگ جهانی دوم رها نکرد. میراث او بر «نیو دیل» استوار است؛ طرحی که برای نجات اقتصاد به جامعه معرفی کرد و فقرا و سالخوردگان را در برابر نظام لجام‌گسیخته سرمایه‌داری حمایت کرد. اما روزولت در زندگی شخصی‌اش به هیچ عنوان یک قدیس نبود. او خیلی کم در مورد اعتقادات مذهبی‌اش صحبت می‌کرد، به جای رفتن به کلیسـا، قبل از اینکه فلج شود، به بازی گلف می‌رفت و به همسرش هم وفادار نبود.

اما تعداد بسـیار کمی از روسای جمهوری مانند روزولت مفهـوم انجیلی «تسـلی دادن به رنجـوران و رنجور کردن بی‌نیازان» را در دسـتور کار خود قرار دادند. روزولت کسـی بود که یک‌بار سـرمایه‌داران بی‌احسـاس زمـان خودش را «تغییردهنـدگان پـول در عبادتگاه‌ها» خوانـد. به اعتقاد نیلسـن، این رنج کشـیدن‌های روزولت بود که باعث شد او به آسیب‌پذیرترین گروه جامعه فکر کند، نه ایمانش. به گفته النور، همسر روزولت، فلج شدن به شوهرش «صبر بی‌اندازه و پافشاری ماندگار» را یاد داد. النور در این‌باره می‌گوید: «به نظرم این مصیبت او را هرچه بیشتر متوجه احساسات مردم کرد.» یکی دیگر از مسـایلی که در زمان حال برای مردم در رابطه با روسای جمهوری مهم است، افشای احساسات آنها در قبال رنج‌کشـیدگی است. لیندون جانسون، آمریکا را هرچه بیشتر درگیر جنگ ویتنام کرد. اما او طرحی با نام «جامعه عالی» به جامعه معرفی کرد که طی آن از حقوق اقلیت‌ها حمایت می‌شـد. در زمان تصـدی او، دولت طرح‌هایـی برای بهسـازی وضعیت تحصیلی کودکان مستحق و حمایت از طبیعت را آغاز کرد. جانسون فقر را مانند یک گناه می‌دانست؛ چیزی که باید به آن حمله کرد و از بین برد. اما به نظر می‌رسد که او با انجام گناه‌های کوچک در زندگی شخصی‌اش هیچ مشکلی نداشت. او در تگزاس بزرگ شد؛ جایی که با کلیسا و مسیح کاملا آشنا شـد. اما عده زیادی معتقدند که او در انتخابات تقلب کرد. سخنرانی‌های او آنقدر با ادبیات عامیانه و وحشیانه آمیخته اسـت که خبرنگاران نمی‌توانستند به حرف‌های او رجوع کنند. نیلسن در مورد او می‌گوید: «او از اخلاقیات بویی نبرده بود.» بـا این حال، به گفته گریندر، او تجربه تدریس در مدارس دورافتاده و مناطق فقیرنشین مهاجران را داشت. آنجا جایی بود که جانسـون معنای فلاکت را درک کرد. او خود در این‌بـاره می‌گوید: «در اینجا آدم می‌تواند ببیند که فقر و تنفر چه نتایجی می‌توانند داشته باشند وقتی که جای پنجه‌هایشان را روی صورت یک بچه می‌اندازند.»

جـوزف کالیفانو، یکی از مشـاوران جانسـون در کتاب «گریندر» می‌گوید که تعهد جانسـون بـه عدالت نژادی و ریشه‌کن کردن فقر به دلیل همین تجربه تدریسش بود. او در این‌باره می‌گوید: «ایجاد فرصت‌های برابر برای او تبدیل به یک اجبار اساسی شده بود.»

**پیشینه مذهبی اوباما شاید شک‌برانگیز باشد، اما بی‌گمان یک دارایی تبلیغاتی برای اوست. اوباما در هاوایی و اندونزی بزرگ شده است؛ جایی که از نظر تنوع دینی بسیار غنی است. او با اسلام، بودیسم و کاتولیسم در این مکان‌ها آشنا شده است**

**اولین رییس‌جمهوری مشرک ما**

بعضی از روسای‌جمهور آمریکا فقط در برابر دین سهل‌انگار نبودند، بلکه به نظر می‌رسد ضددین هستند و وجود مسیح را انکار می‌کنند. جرج واشنگتن، اولین رییس‌جمهوری کشور، مسیحی نبود، بیشتر خداپرست به نظر می‌آمد؛ کسی که به یک نیروی واحد و برتر که جهان را ایجاد کرده است، اعتقاد داشت. روحانیون سعی می‌کردند او را متقاعد کنند که به‌طور عمومی اعلام کند که مسـیحی اسـت، اما به گفته گریندر، او از این کار شـانه خالی می‌کرد. توماس جفرسون، سومین رییس‌جمهوری ایالات متحده، بیش از دیگر روسای‌جمهور، به اسـتثنای باراک اوباما، رییس‌جمهوری کنونی، خصومت روحانیون را برانگیخت. جفرسـون یک‌بار اعلام کرد برایش مهم نیسـت که همسـایه‌اش یک خدا را می‌پرسـتد یا ۲۰ خدا را و در مورد جدایی دین از سیاسـت بحث‌های طولانی می‌کرد. رقبایش او را مشـرک می‌خواندند. به گفته گریندر، «همسران مزارع انگلسـتان نو» شنیده بودند که جفرسون انجیل‌هـا را توقیف می‌کند، پس آنها را در حیـاط خانه‌هایشـان مدفـون کردند. گریندر در این‌باره از زبان یک روحانی ضد جفرسـون می‌نویسـد: «اگر جفرسون انتخاب شود انجیل‌ها سـوزانده می‌شوند. سرود ملی فرانسه در کلیساهای مسیحی خوانده خواهد شـد و ما شاهد محکوم شـدن زنان و دختران‌مـان بـه فحشـای قانونی خواهیم شد.» با این حال، بسیاری از روسای‌جمهور مثل جفرسون ضددین سخنی نگفتند. برخی از آنان نقش اسـقف اعظم را به خود گرفتند و بعضی مانند اندرو جکسون، هفتمین رییس‌جمهوری کشور، پایشان را از این هم فراتر گذاشـتند. او یک پروتستان دیندار بود. روزی پنج بخش از انجیل را می‌خواند و یک کلیسـای کوچک در خانه‌اش در تنسـی سـاخته بود. او در دوران تصدی‌اش در کاخ سفید به دو کلیسـای مختلف در واشنگتن می‌رفت. او یکی از دیندارترین روسـای‌جمهور کشور بود. با این وجود او برای خلق‌وخوی عصبی‌اش و اعتقادش به سـنت برده‌داری معروف بود. اما رسـوایی او بیشتر به دلیل رفتاری بود که در قبال بومیان آمریکایی داشـت. برخی از مورخان اعمال او را به عنوان نسل‌کشی معرفی کرده‌اند. او قوم «سمینول» را در ایالت فلوریدا قتل عام کرد و مسوول مرگ هزاران «چروکی» است چراکه او آنها را از منطقه زندگی‌شان در جورجیا اخراج کرد. سوال اینجاست که چگونه او باورهای عمیق دینی‌اش را با این قتل عام‌ها وفق می‌داد؟ گریندر به این سـوال این‌گونه پاسخ می‌دهد: «او بی‌رحم بود چراکه باور داشت کسانی که او نسبت به ایشان بی‌رحمی می‌کرد انسان نبودند.»

**اوباما و باورهایش**

هـر کسـی کـه فکـر می‌کنـد اعتقـادات مذهبـی رییس‌جمهـوری آمریکا برای مردم این کشـور هنوز مهم است، فقط باید نگاهی به تجربیات اوباما بیندازد. او نه‌تنها در بیوگرافی خود بر مسیحی بودنش اذعان داشته، بلکه بارها و بارها در سخنرانی‌هایش هم به آن اشاره کرده است. اخیرا نیز وقتی از ازدواج هم‌جنسـگراها حمایت کرد به یاد مردم آورد که او یک مسیحی است.

اما باورهای مذهبی هیچ یک از روسای‌جمهور آمریکا به اندازه او بحث‌برانگیز نبوده است. بسیاری از آمریکایی‌ها هنوز باور دارند که او مسلمان است. «استفن منزفیلد»، نویسنده کتاب «ایمان باراک اوباما»، یک محافظه‌کار سیاسی است که بارها در مورد باورهای «کلیسایی» بوش مطلب نوشته است. او در مورد اوباما کنجکاو شـد، پس برای شناختن او ساعات بسـیاری را با مشاوران او سـپری کرد. او می‌گوید که شک ندارد اوباما یک مسیحی دیندار است. باورهای عمیق او به این مساله برخی از محافظه‌کاران را عصبانی کرده است طوری که به گفته خودش بسیاری از سخنرانی‌هایش لغو شده‌اند و او ای‌میل‌های خشمگین بسیاری دریافت کرده است.

منزفیلد می‌گوید: «من اوباما را به عنوان یک مسـیحی کاملا جدی می‌گیرم. او از نظر سیاسی یک لیبرال مسیحی است که هر لحظه بیشتر در مسیر ایمانش قدم برمی‌دارد.» به عقیده او، قانون سلامت اوباما بیانی از ایمانش است: اعتقادش به اینکه مسـیحیان موظفند از قشـر آسـیب‌پذیر جامعه حمایت کننـد. او در این‌بـاره می‌گوید: «بـاراک اوباما باور دارد که دسـتگاه‌های دولت باید در مسیر انجیلی کمک به مستحقان و فقرا کار کند.» با این حال برای برخی، اعتقادات اوباما همیشه با خطابه‌های خشمگین جرامایا رایت، پیشوای روحانی اسـبقش، همراه خواهد بود. در عین حال، منزفیلد معتقد اسـت اوباما از وقتی که به ریاسـت‌جمهوری رسیده است، مفهومی سنتی از مسیحیت را پذیرفته است. به گفته منزفیلد: «او در مورد باورهایش بسیار جدی است. او به هیچ عنوان مسلمان نیست.» نیلسن، یک تئوری در رابطه با اینکه چرا بیشتر بنیادگرایان مسیحی معتقدند اوباما مسلمان است مطرح می‌کند و آن این است که «آنها به شدت از او متنفرند. او کشور را قطب‌بندی کرده است.» نیلسن می‌گوید پیشینه مذهبی اوباما شاید شک‌برانگیز باشد، اما بی‌گمان یک دارایی تبلیغاتی برای اوست. اوباما در هاوایی و اندونزی بزرگ شده است، جایی که از نظر تنوع دینی بسیار غنی است. او با اسلام، بودیسـم و کاتولیسم در این مکان‌ها آشنا شده است. وقتی در شـیکاگو زندگی می‌کرد، اعتقادات مسـیحی‌اش توسط کلیسای سیاهپوستان و مفهوم عدالت اجتماعی شکل گرفت. نیلسن در این‌باره می‌گوید: «او درباره دین‌های جهانی بیشتر از هرکسـی که در کاخ سفید بوده است، می‌داند.» به اعتقاد نیلسـن «هنگامی که اوباما از کاخ سـفید برود نباید انتظار داشته باشید که اهمیت مذهب روسای‌جمهور از بین برود. ما هنوز هم کسانی را می‌خواهیم که هم رییس‌جمهوری باشند و هم کشـیش.» او معتقد است: «قدرت و ریشه‌های مذهب هر سال بیشتر نمایان می‌شود و این چیزی است که به این زودی‌ها تغییر نخواهد کرد.»

منبع: CNN

دیدگاه

## بانوی آهنین یا آهن قراضه اروپا

اردشیر زارعی‌قنواتی

■ نشسـت دوروزه اجلاس سـران اتحادیـه اروپایی در بروکسـل در روز جمعه ۲۹ ژوئن با توافق بر سر کمک‌های مسـتقیم «صندوق نجات مالی» به بانک‌های مقروض در حـوزه یورو به کار خود پایان داد. تفاوت سـازوکار و برنامه جدیـد اتحادیه برای مقابله با بحران مالی در حوزه یورو در این اسـت که اعطای وام به بانک‌ها از این پس مستقیم از طرف صندوق نجات مالی پرداخت می‌شـود و با تاسـیس «صنـدوق ثبات مالی» و یک نهاد جدیـد نظارت اروپایی، این وام‌ها از قروض دولتی حذف خواهد شد. راهکار جدید موجب می‌شـود که بار مالی کنونی از دوش دولت‌های در حال بحران تا حدودی برداشته شده و اعتبار مالی آنان برای کاهش سـود قرضه‌های ملی افزایش یابد. ماحصل برنامه جدید در واقع گام اول جهت تغییر سیاسـت مالی اتحادیه از برنامـه «ریاضت اقتصادی» مورد اصـرار «آنگلا مرکل» صدراعظم آلمان به سمت برنامه «رشد اقتصادی» مدنظر «فرانسوا اولاند» رییس‌جمهوری سوسیالیست فرانسه است. در این اجلاس فشـار سـران ایتالیا و اسپانیا که از حمایت اولاند و دیگر اقتصادهای ضعیـف اروپایی برخوردار بودند بالاخره مرکل را وادار به عقب‌نشینی کرده و همچنین خط بطلانی بر سیاست خانمان‌برانداز ریاضت اقتصادی کشید. هر چند ظاهرا تمرکز نشست سران حول مسایل اقتصادی و جهت‌گیـری برای خروج از بحران کنونی بوده اسـت اما در زیر پوسـته آن یک مبارزه و رقابت سیاسی بین رویکرد آلمانی خانم مرکل و رویکرد فرانسـوی جدید آقای اولاند است که در آینده می‌تواند منجر به تغییر موازنه قدرت بین برلـن – پاریـس شـود. پیـروزی اولانـد در انتخابـات ریاست‌جمهوری فرانسه و اقبال عمومی اروپاییان نسبت به برنامه رشد وی نشان می‌دهد که از یک طرف شکست برنامه ریاضت اقتصادی مرکل برای اعضای اتحادیه اثبات شده و از طرف دیگر این تغییر مسـیر می‌تواند آخرین امیدبرای بقای پول واحـد اروپایی تلقی شـود. در این بین با توجه بـه تاثیر برنامه‌های تحمیلی مرکل بر اتحادیه اروپایی و به خصوص حوزه یورو که به فلاکت بیشـتر کشورهایی چون یونان منجر شده اسـت در ساخت اجتماعی قاره سبز نیز یک واکنش منفی و سیر رانشی نسبت به آلمان ایجاد کرده است. برخورد شعف‌انگیز مردم اروپایی که تصاویر تلویزیونی آن در میادیـن پایتخت‌های فرانسـه، مادرید، آتن و دیگر کشـورهای اروپایی در شـبی که در بازی نیمه نهایی یورو ۲۰۱۲ تیم ملی آلمان مغلوب ایتالیا شد، به نمایش درآمد، به خوبی نشان‌دهنده انزوای آلمان بین جوامع اروپایی است. از آنجا که مرکل طی سـال‌های اخیر به طور انعطاف‌ناپذیر برنامه‌های خود را به دیگران تحمیل کرده است و هم‌اکنون نتیجه فاجعه‌بار آن گریبان بسیاری را گرفته به نظر می‌رسد در تمامی حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نه‌تنها وی با عکس‌العمل منفی دیگران روبه‌رو شده بلکه آلمان نیز در یک انزوای سیاسی – اجتماعی قرار گرفته است.

بـه یقین نتایج اجلاس رهبران اروپایی در بروکسـل از زوایای مختلف قابل بررسـی خواهد بـود و از هر زاویه نیز برآیند خاص خود صورت می‌گیرد. به لحاظ اقتصادی بحران یورو یک بحران ساختاری در عرصه نظام سرمایه‌داری تلقی می‌شود که بسیار فراتر از «بحران ادواری» این سیستم بوده و شاید زنگ خطر برای پایان نئولیبرالیسم اقتصادی باشد که حتـی با تصمیمات کنونی اجلاس رهبران اروپایی نیز قابل درمان نباشـد. ظهور، بروز و استمرار قدرتمند جنبش‌های اعتراضی «خشمگینان» در اسپانیا، «وال‌استریت را اشغال کنید» در آمریکا و مشـابه آنها در ایتالیـا، یونان، پرتغال و دیگر کشورهای اروپایی نشان می‌دهد که طبقات متوسط و کارگـری دیگـر به راحتـی حاضر به عقب‌نشـینی و از دسـت دادن امتیازات اقتصادی – اجتماعی خود نخواهند بود. به لحاظ سیاسـی دوران جدیدی که آغاز شـده است یک چرخش معنادار از راسـت به چپ را نشان می‌دهد که معادلات آن در فرانسـه حکم پیروزی ائتلاف چپ را صادر می‌کند و در یونان نیز رادیکال‌های چپ تا مرز رسـیدن به پیروزی پیشـروی می‌کنند. آنچه بیش از همه مهم اسـت تغییرات معنادار در حوزه اجتماعی اتحادیه اروپایی است که در راستای تشدید جنبش‌های اعتراضی، اعمال حاکمیت را از سوی دولت‌ها به لحاظ «عدم تطبیق منافع» عرصه قدرت با عرصه عمومی بسیار دشوار کرده و راه برون‌رفت از بحران را مسدود می‌کند. در کنار این موضوع شکاف بین حاملان تفکر لیبرالیسم اقتصادی با لیبرالیسم سیاسی که نمودهای آن بین طبقات اجتماعی و احزاب سیاسی در اروپا نیز مشهود اسـت، به این چرخه تغییرات عمق بیشتری می‌بخشد. هر چند اجلاس اخیر رهبران اروپایی، باز شدن درهای جدید و شکل‌گیری امیدهای تازه را موجب شد و استقبال بازارهای بورس از آن قابل توجه بوده اسـت اما اگر این تنها گام اول برای تغییرات بزرگ‌تر نباشد، موقعیت حبابی آن خیلی زودتر از حد تصور می‌ترکد و اتحادیه اروپایی را در سیکل معکوس و چالش‌های پایان‌ناپذیر کنونی حفظ خواهد کرد.

م/الف-۱۴۷۰
آگهی دعوت به ارزیابی کیفی
فراخوان عمومی نخست مناقصه شماره ۱-۳۹-۹۱
وزارت راه و شهرسازی
شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران
(سهامی خاص)
شرکت راه آهن ج.ا.ا در نظر دارد بنابر آئین نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات نسبت به ارزیابی کیفی پیمانکاران واجد شرایط جهت دعوت به مناقصه به شرح زیر اقدام نماید.
۱- شرح مختصر موضوع مناقصه: انجام امور سیر و حرکت راه‌آهن آذربایجان
۲- مدت و محل اجرا: مدت زمان انجام کار دو سال و محل انجام محدوده راه آهن آذربایجان می باشد
۳- مهلت و محل دریافت اسناد ارزیابی کیفی: مهلت و محل دریافت اسناد ارزیابی کیفی، متقاضیان می توانند حداکثر تا پایان وقت اداری روز سه شنبه مورخ ۹۱/۰۴/۲۰ با در دست داشتن معرفی نامه کتبی جهت دریافت اسناد ارزیابی به نشانی تهران - بالاتر از میدان آرژانتین - ابتدای بلوار آفریقا - ساختمان مرکزی راه آهن طبقه دوم شرقی اداره کل تدارکات اداره امور قراردادها مراجعه نمایند.
۴- مهلت و محل تحویل اسناد تکمیل شده: حداکثر تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۰۵/۰۴ اداره کل تدارکات به نشانی فوق
۵- متقاضیان می توانند جهت دریافت اسناد ارزیابی کیفی مبلغ دویست و پنجاه هزار (۲۵۰/۰۰۰) ریال به حساب ۶۲-۵۷۴ نزد خزانه بانک مرکزی بنام راه آهن قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی واریز و به اداره امور قراردادهای این اداره کل به نشانی فوق مراجعه نمایند
۶- دریافت اسناد ارزیابی کیفی از طریق سایت http://em.mporg.ir امکان پذیر می باشد
۷- هزینه چاپ و نشر آگهی بعهده برنده مناقصه می باشد
پس از ارزیابی کیفی از پیمانکاران واجد شرایط که حداقل امتیاز لازم را کسب نموده باشند جهت دریافت اسناد مناقصه دعوت به عمل خواهد آمد
اداره کل تدارکات راه آهن ج.ا.ا

CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2
شرکت ملی صنایع پتروشیمی
شرکت پتروشیمی اروند
سهامی خاص
آگهی مناقصه عمومی ۹۱/۲۵۸
نام شرکت مناقصه گزار: شرکت پتروشیمی اروند
موضوع مناقصه عمومی یک مرحله ای: خرید یک دستگاه Reach Staker (ریچستاکر)
شرح مختصر موضوع مناقصه: یک دستگاه ریچستاکر از نوع دیزلی و وزن خدماتی ۷۷ تن و سرعت حرکتی ۲۴ تا ۲۵ کیلومتر بر ساعت (سایر شرایط در اسناد مناقصه مندرج می باشد).
مهلت دریافت اسناد: سه روز پس از چاپ نوبت دوم این آگهی با در دست داشتن معرفی نامه معتبر
محل دریافت اسناد: خوزستان بندر امام خمینی (ره) - منطقه ویژه اقتصادی - سایت ۴ پتروشیمی اروند ساختمان مرکزی امور حقوقی و پیمانها آدرس سایت اینترنتی www.shana.ir تلفن تماس ۰۶۵۲۲۶۲۶۲۷۵
قیمت اسناد و نحوه واریز وجه: مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ ریال به حساب جاری ۶۰۹۴۲۰۰۰۳۰ نزد بانک تجارت شعبه شرکت پتروشیمی اروند - قابل پرداخت در کلیه شعب بانک تجارت
میزان سپرده شرکت در مناقصه: ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
مهلت تحویل و گشایش پاکات پیشنهادی: مهلت تحویل و گشایش پاکات پیشنهادی در اسناد مناقصه مندرج می باشد.
روابط عمومی شرکت پتروشیمی اروند تفکر توکل تلاش
CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2